

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال سیزدهم، شماره‌ی چهل‌ونهم، پاییز ۱۴۰۰، صص ۵۳-۲۷
(مقاله علمی - پژوهشی)

زنان خاندان سلطنتی در دوره سلوکی

مژگان خانمرادی^۱

چکیده

دانسته‌های موجود درباره‌ی زنان جامعه سلوکی، ناقص و پراکنده است و حتی در خصوص زنان سطوح مختلف این جامعه به یک اندازه نیست. با این حال، به نظر می‌رسد که زنان خاندان سلطنتی در این دوره شناخته‌ترند و آثار برجای مانده، آگاهی‌هایی درباره‌ی آنان ارائه می‌دهد. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از منابع تاریخی و شواهد باستان‌شناختی موجود از جمله سکه، کتیبه، مهر و اثر مهر، به بررسی جایگاه و وضعیت زنان خاندان سلطنتی در دوره سلوکیان پرداخته است. هدف از این پژوهش، بررسی جایگاه زنان سلطنتی در دوره سلوکیان و حضور آنان در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، مذهبی و اجتماعی است. مطالعات انجام شده نشان داد که تعدادی از زنان خاندان سلطنتی در عرصه‌های مختلف بسیار قدرتمند ظاهر شده‌اند. تجهیز و هدایت سپاه در مواقع ضروری، اداره کشور در کنار فرزند در مقام نایب‌السلطنه و، یا تکیه زدن بر تخت سلطنت، برخی از فعالیت‌های آنان در این دوره است. پرستش و نام‌گذاری شهرها به نام زنان نامدار این دوره همچون آپامه، استراتونیکه و لائودیسه و درج تصویر آنان - به تنهایی و، یا در کنار شاهان - بر روی سکه و مهرها، نشان‌دهنده‌ی جایگاه زن درباری در این دوره است.

واژه‌های کلیدی: سلوکیان، زنان درباری، نایب‌السلطنه، شواهد باستان‌شناختی، منابع تاریخی.

۱. استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تهران. mkhanmoradi@ut.ac.ir

تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۴/۲۰ - تاریخ تأیید ۱۴۰۰/۱۰/۷

مقدمه

اسکندر در پی آن بود که در سرزمین‌های مفتوحه تحولات فرهنگی و اجتماعی ایجاد کند و اقداماتی نیز در این باره انجام داد، از جمله: آموزش فنون نظامی و زبان و ادبیات یونانی به سی هزار کودک پارسی (پلوتارک، ۱۳۴۶: ۳۹۷)، برگزیدن سرداران زبده از میان پارسیان (دیودور سیسیلی، ۱۳۸۴: ۷۹۰)، مطابقت دادن رفتار و آداب خویش با فرهنگ پارسی و برعکس (پلوتارک، ۱۳۴۶: ۳۹۷) و ازدواج سیاسی اسکندر، سرداران و سربازانش با زنان سرزمین‌های مفتوحه. در یونان ازدواج با زنان غیر یونانی مرسوم نبود، اما اسکندر با رکسانای بلخی ازدواج کرد و هشتاد سردار و ده هزار سرباز در شوش به پیروی از وی با زنان متشخص ایرانی و آسیایی ازدواج کردند (دیودور سیسیلی، ۱۳۸۴: ۷۸۶؛ پلوتارک، ۱۳۴۶: ۳۹۸؛ Justin, 12.12). با آنکه ازدواج با رکسانا تخلف از رسوم یونان بود، اما به رسمیت شناختن چند همسری توسط پادشاه، در رسوم مشرق‌زمین تخلف بزرگتری محسوب می‌شد (گوتشمید، ۱۳۵۶: ۱۹). با وجود این، استاتیرا دختر داریوش سوم و پریساتیس دختر اردشیر اُخُس به عقد اسکندر درآمدند (دیودور سیسیلی، ۱۳۸۴: ۷۸۶؛ Arrian, 7.4.8). به باور یارشاطر (۱۳۸۷: ۲۵)، اسکندر تصور می‌کرد که ازدواج با شاهدخت‌های ایرانی در پیروی از زناشویی‌های سیاسی مرسوم شرق باستان، تأثیر مثبتی بر اهالی پارس داشته باشد و آنها را به اطاعت از شاه جدید ملزم کند. ازدواج‌های جمعی برای آن بود که مقدونیان و پارسیان را به اهداف مشترکی سوق دهد و قشر رهبری‌کننده‌ای از شاهدختان نژاده به بار آورد (ویسپوفر، ۱۳۸۸: ۲۵). به همین دلیل ده هزار پسر را که حاصل این ازدواج سیاسی بود، برای آموزش به‌دست آموزگاران سپرد (دیودور سیسیلی، ۱۳۸۴: ۷۹۱). در حقیقت اسکندر به نقش زنان به‌عنوان نیمی از جامعه و لزوم ازدواج سیاسی و التقاط فرهنگی ملل شرق و غرب واقف بود. حال باید دید که زنان و در رأس آنها زنان خاندان سلطنتی در زمان جانشینان یونانی اسکندر چه جایگاهی داشتند و ازدواج‌های سیاسی به چه صورت انجام می‌شد؟ هدف از پژوهش حاضر بررسی جایگاه و نقش زنان خاندان سلطنتی در دربار و جامعه سلوکی است و در پی پاسخ دادن به این پرسش‌ها است که در این دوره، زن در ساختار قدرت چه جایگاهی داشته است؟ آیا زن در دربار سلوکیان، در سرپرده

حرم شاهی دسیسه‌ای پنهانی تدارک می‌دید و زیر سایه شاه بود و، یا عملکردی آشکار و قابل توجه در دربار و جامعه داشت؟ آیا زنان خاندان سلطنتی در عرصه‌های اقتصادی و نظامی حضور فعال داشتند؟ به لحاظ مذهبی چه فعالیت‌هایی داشتند؟ در پژوهش پیش‌رو، گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای (اسنادی) و با مراجعه به کتاب‌ها و مقاله‌های مربوط به موضوع انجام شده است. روش پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است. در ابتدا، منابع تاریخی معتبر این دوره - آثار مورخانی همچون استرابو، آپیان، آریان، یوستین و دیودوروس سیسیلی - مطالعه شد و سپس اطلاعات موجود درباره داده‌های باستان‌شناختی کشف‌شده از قلمرو سلوکیان (خارج و داخل ایران)، از قبیل سکه، مهر و اثر مهر، الواح، پایه مجسمه و یافته‌های فلزی بررسی و اطلاعات موجود درباره زنان خاندان سلطنتی و به‌ویژه ملکه‌ها استخراج شد. لازم به ذکر است که جامعه آماری این پژوهش، کلیه سکه‌ها و آثار مهرهای شناخته‌شده‌ای از دوره سلوکی است که تاکنون در قالب کتاب و مقاله منتشر شده‌اند. اطلاعات حاصله از این سکه‌ها و مهرها درباره زنان خاندان سلطنتی در کنار منابع تاریخی در این پژوهش مورد استفاده نگارنده قرار گرفت. در نهایت، جایگاه و نقش زنان خاندان سلطنتی از جنبه‌های سیاسی، اجتماعی، مذهبی و اقتصادی تحلیل شد.

پیشینه پژوهش

آگاهی ما درباره زنان سلوکی به دلیل کمبود مدارک تاریخی و باستان‌شناختی ناچیز است. مورخانی همچون آپیان، آریان، دیودوروس سیسیلی، یوستین و استرابو، به موضوع زنان خاندان سلطنتی پرداخته‌اند. کتیبه‌ها نیز منابع مهمی‌اند که مستقیم و غیرمستقیم به زنان پرداخته‌اند؛ الواح و پایه مجسمه‌های کتیبه‌دار از آسیای صغیر، کتیبه‌های لائودیسه نهاوند، کتیبه‌های یونانی از شوش، لیست شاهان بابلی و اوروک، منابع نجومی بابلی از بابل و اوروک، استوانه آنتیوخوس اول و پایپروس‌های مصری از آن جمله‌اند. برای مثال متون نجومی بابلی از مرگ استراتونیکه همسر آنتیوخوس اول (Sachs and Hunger, 1988: 2/253)، سفر لائودیسه چهارم همسر سلوکوس چهارم، مرگ این ملکه و عزای عمومی برای وی (Ibid, 1/385) و شرکت لائودیسه اول و

فرزندانش در مراسم مذهبی در بابل (Ibid, 145) خبر داده‌اند. سکه، اثر مهر و اشیاء فلزی از شواهد باستان‌شناختی در ارتباط با زنان سلطنتی‌اند.

تعدادی از محققان به صورت تکنگاری درباره برخی از ملکه‌های سلوکی پژوهش کرده‌اند. تارن (1929) و شاپور شهبازی (1986) به آپامه، هوور به لائودیسه چهارم (2002)، ماتینز سوه به لائودیسه اول (2003) و دیمترو به کلئوپاترا سلنه (2016) پرداخته‌اند. در سال ۲۰۱۳م مجموعه مقالاتی با عنوان «زنان سلطنتی سلوکی: نقش و بازنمایی» به چاپ رسید (Coşkun and McAuley, 2016) که صرفاً به ملکه‌های مشهور و جایگاه سیاسی آنها پرداخته و مدارک مهمی از ایران را نادیده گرفته است. دود (2009)، بخشی از رساله خود را به سکه‌های زنان سلوکی اختصاص داده و رد (2014) به زنان نایب‌السلطنه پرداخته است. این پژوهش‌ها یا به صورت تکنگاری انجام شده و مختص به یک ملکه است و، یا از یک یا دو جنبه به زنان سلطنتی پرداخته‌اند. ضمن آنکه به همه منابع تاریخی و شواهد باستان‌شناختی در کنار هم توجه نکرده‌اند. پژوهش حاضر، جایگاه و عملکرد زنان سلطنتی دوره سلوکی را از تمام جنبه‌های سیاسی، نظامی، مذهبی، اجتماعی بررسی می‌کند. برای درک جایگاه و عملکرد زنان سلطنتی در این دوره، منابع تاریخی و نیز شواهد باستان‌شناختی مکشوفه از قلمرو سلوکیان به‌ویژه ایران، بررسی و با دوره اشکانی مقایسه شده است.

زنان خاندان سلطنتی: جایگاه و عملکرد سیاسی مطالعات فرهنگی

شواهد باستان‌شناختی و منابع تاریخی، اطلاعات بیشتری از زنان خاندان سلطنتی نسبت به دیگر زنان جامعه در اختیار محقق می‌گذارد. چند تن از زنان خاندان سلطنتی در عرصه سیاسی بسیار قدرتمند ظاهر شدند و در دربار و سیاست کشور تأثیر شگرفی برجای گذاشتند.

الف) زنان تأثیرگذار

آپامه^۱ دختر اسپیتامن (شهربان سغدیان) در سال ۳۲۸ ق.م به اسارت اسکندر درآمد و چهار سال بعد، با سلوکوس ازدواج کرد (Arrian, 7.4.6; Appian, Syr. 12. 57). میزان

1. Apama

بهره‌برداری ایدئولوژیکی سلوکوس از وجود زن شرقی‌اش دقیقاً قابل تخمین نیست (Kosmin, 2013: 678). با وجود این، آپامه محبوب شاه بود و حتی پس از ازدواج سیاسی سلوکوس در سال ۲۹۹ ق.م با استراتونیکه دختر دمتریوس، زن شاه باقی ماند (Arrian, 7.6.2). در کتیبه حک شده بر روی پایه مجسمه‌ای مکشوفه از دیدیما، از آپامه با عنوان «ملکه آپامه همسر پادشاه سلوکوس» یاد شده است. وی در بحبوحه کارزار سلوکوس در سغدیان، نایب‌السلطنه پسر شانزده ساله‌اش - آنتیوخوس اول - بود و در غیاب همسرش خزانه‌داری را در اختیار داشت. این موضوع از کتیبه معبدی که به دستور ملکه در دیدیما ساخته شد، قابل استنباط است (Reda, 2014: 14-15). همچنین وی سفیران ملیسیا^۲ را به حضور پذیرفت که در نوشته‌های آنها از وی با عنوان «آپامه، همسر پادشاه» و «آپامه، ملکه» یاد شده است (Ibid). به این ترتیب، دختری ایرانی ملکه بنیانگذار سلسله سلوکیان و مادر ولیعهد شد و نسب مادری حاکمان بیگانه‌ای را یدک کشید که بر ایران مستولی شدند. در نتیجه، حاکمان سلوکی خون ایرانی و یونانی در رگ داشتند و مقبولیت نزد ایرانیان و ملت‌های شرق را خواهان بودند. به تعبیر کاسمین، وجود آپامه زن ایرانی سلوکوس در گسترده نشدن درگیری شاه سلوکی با ایالات شرق ایران و آسیای مرکزی مؤثر بود (Kosmin, 2013: 678).

سلوکوس اول با استراتونیکه، دختر دمتریوس شاه مقدونیه ازدواج کرد (Arrian, 7.6.2). آنتیوخوس اول (حک ۲۶۱-۲۸۱ ق.م) شیدای نامادری جوانش شد و در بستر بیماری افتاد. به همین دلیل سلوکوس همسرش را طلاق داد و او را به عقد پسرش درآورد (Appian, Syr. 12. 59-60؛ استرابو، ۱۳۸۲: ۶۱). سلوکوس هنگام برگزاری این ازدواج چنین گفت: این رسوم ایرانیان و اقوام دیگر نیست که بر شما تحمیل می‌کنم؛ بلکه قانونی است که برای همگان معمول است که آنچه از سوی شاه مقرر می‌شود، همواره عادلانه است (Appian, Syr.13.61). لائودیسه اول همسر آنتیوخوس دوم (حک ۲۴۶-۲۶۱ ق.م)، از ملکه‌های مشهور این دوره است. شاه، با این

۱. پایه مجسمه دیدیما کتیبه‌ای به خط زبان یونانی از لایه‌های دوره سلوکی محوطه دیدیما در ترکیه کشف شده است. این پایه مجسمه در واقع پایه‌ای برای قرار گرفتن مجسمه مفرغی آرتمیس بود که به دستور ملکه آپامه ساخته شد (Reda, 2014: 45).

2. Milesian

دختر مقدونی عاشقانه ازدواج کرد، اما هنگامی که با بطالسه وارد جنگ دوم سوریه شد، به منظور برقراری صلح، با برنیکه^۱ دختر بطلمیوس دوم ازدواج کرد. او، لائودیسه را طلاق داد و پسر برنیکه را ولیعهد کرد (Casper and Kraemer, 1935: 156). لائودیسه و پسرانش سوریه را ترک کردند و به افسوس رفتند. برنیکه با مرگ پدر موقعیتش را از دست داد و سلوکوس پسر لائودیسه ولیعهد شد (Reda, 2014, 17). پس از آنکه لائودیسه آنتیوخوس را مسموم کرد (Appian, Syr. 13.65)، سلوکوس دوم (حک ۲۲۵-۲۴۶ ق.م) بر تخت نشست و برنیکه پسرش آنتیوخوس را در مقابل وی علم کرد که در نهایت، برنیکه و پسرش کشته شدند (Justin, 27.1). بعد از مدتی لائودیسه از انتخاب سلوکوس به شاهی پشیمان شد و پسر کوچکترش آنتیوخوس هیراکس را به قدرت رساند تا بتواند شاه و دربار را بهتر کنترل کند (Ibid, 27.2).

لائودیسه سوم، همسر آنتیوخوس سوم (حک ۱۸۷-۲۲۳ ق.م)، دختر مهرداد شاه پتوس و لائودیسه سلوکی است که بسیار مورد توجه شاه بود و در امور اداری و سیاسی قدرت و استقلال داشت. او اولین ملکه سلوکی است که به دستور شاه در معابد خاصی، آئین پرستش و گرامیداشت برای وی برپا و پرستش او به صورت باور یک فرقه مذهبی در قلمرو سلوکیان مرسوم شد. نقش مهمی که این زن در هنگام رزم همسرش در شرق ایفا کرد، نیابت سلطنت پسر دوازده ساله‌اش بود که به جای پدر در رأس قدرت قرار گرفت (Ramsey, 2011: 52). لائودیسه چهارم دختر آنتیوخوس سوم، ملکه دیگری است که به ترتیب با سه برادرش به نام‌های آنتیوخوس پسر، سلوکوس چهارم و آنتیوخوس چهارم ازدواج کرد. رسم ازدواج با محارم احتمالاً برگرفته از رسوم بطالسه است، زیرا سلوکیان تا این تاریخ، ازدواج برادر و خواهر را روا نمی‌دانستند (Dodd, 2009: 201). گرینگر نمی‌پذیرد که لائودیسه به طور پیاپی با سه برادرش ازدواج کرده باشد (Grainger, 1997: 50). لائودیسه اولین زن در دوره سلوکی است که تصویرش بر روی سکه ظاهر شد (تصویر ۱). نقش او در ابتدا، روی سکه سلوکوس چهارم ضرب شد. لائودیسه چهارم پس از مرگ سلوکوس، نایب‌السلطنه پسر نه‌ساله‌اش آنتیوخوس جوان شد و تصویر وی و پسرش بر روی سکه‌ای از جنس طلا

1. Berenice

ظاهر شد. تصویر لائودیسه در پیش زمینه سکه و بر روی نقش شاه قرار دارد که برتری وی بر شاه جوان را نشان می‌دهد (Hoover, 2002: 187; Le Rider, 1999). این زن بر روی سکه‌های آنتیوخوس چهارم و دمتریوس اول (پسرش) نیز ظاهر شده است.



تصویر ۱-۱. سکه لائودیسه تصویر ۱-۲. سکه لائودیسه چهارم تصویر ۱-۳. سکه دمتریوس اول و چهارم و آنتیوخوس جوان لائودیسه چهارم (Hoover, 2002: 81ff) (Ager and Hardiman, 2016: 145) (Houghton, 1983: 991)

لائودیسه چهارم به تنهایی بر روی سکه سلوکوس چهارم نقش شده است. این سکه برنزی در ضربخانه‌ای ناشناس ضرب شده است (Hoover, 2002: 81ff). ملکه روسری بر سر دارد که برخی این نوع پوشش سر را به الهه‌های یونانی همچون آفرودیت^۱ و تیخه^۲ نسبت می‌دهند و سکه را - به دلیل پوشش سر ویژه الهه‌ها - به جنبه الوهیت و تقدس لائودیسه مربوط می‌دانند (Hoover, 2002: 84; Reda, 2014: 48). این ملکه اولین فرد در خاندان سلوکی است که با محارم خود ازدواج کرد و شاید خواسته‌اند با این نوع پوشش مذهبی به وی اعتبار و مشروعیت بدهند. سکه‌های انفرادی و مفرغی لائودیسه مجدداً، در زمان سلطنت آنتیوخوس چهارم در ضربخانه‌های سلوکیه، انطاکیه و آکه پتومی^۳ ضرب شد. ظاهراً آنتیوخوس چهارم برای مشروعیت بخشی به حکومتی که از آنتیوخوس جوان غصب کرده بود، به ضرب سکه‌ای با تصویری دوگانه از

1. Aphrodite
2. Tyche
3. Ptolemaïs-Ake

خودش و لائودیسه نیاز داشت که در میان جامعه سلوکی اعتبار سیاسی و مذهبی داشته باشد. دمتریوس اول نیز برای تثبیت حکومت خود از تصویر مادرش بر روی سکه‌ها یاری گرفت (Houghton, 1983: 991; Reda, 2014: 27-28). در دوره هخامنشی زنان خاندان سلطنتی بر روی سکه ظاهر نشده‌اند و در دوره اشکانی فقط دو زن بر روی سکه تصویر شده‌اند. موزا مادر فرهاد پنجم (حک ۲ ق.م - ۲ م.) به تنهایی در یک طرف سکه ضرب شده و در یک طرف سکه نیز تصویر شاه اشکانی ایجاد شده است. نیم‌تنه ملکه آنزازه^۱ در کنار کمنسکیر^۲ شاه محلی الیمایی نیز بر روی سکه نقش شده است که این نوع سکه به سکه‌های دمتریوس و لائودیسه شباهت بسیار دارد. شاید بتوان ایجاد نقش ملکه را بر روی سکه دوره اشکانی متأثر از دوره سلوکی دانست.

کلئوپاترا تا در میان ملکه‌های سلوکی، بیشترین زمان شراکت در سلطنت را داراست. به قول بلینجر، این زن دختر یک شاه، خواهر دو شاه، همسر سه شاه و مادر چهار شاه بود (Bellinger, 1949: 58). وی دختر بطلمیوس هفتم بود که با هدف تسلط بطالسه بر سلوکیان، با الکساندر بالاس (حک ۱۵۴-۱۵۲ ق.م)^۳ ازدواج کرد و پس از مرگ شاه، به عقد دمتریوس دوم (حک ۱۳۸-۱۴۶ ق.م) درآمد (Diodorus of Sicily, 32.27.2c). این زن پس از اسارت دمتریوس دوم، با برادر شوهرش آنتیوخوس هفتم سیدت (حک ۱۲۹-۱۳۸ ق.م) ازدواج کرد. شاه دربند پس از درگذشت آنتیوخوس هفتم، از اسارت اشکانیان بازگشت، اما کلئوپاترا از ورودش به آکه^۴ که تحت کنترل وی بود، امتناع ورزید و او را کشت (Justin, 35.2.2). وی تنها ملکه سلوکی است که چند سال به تنهایی بر قلمرو سلوکیان حکم راند و وقتی آنتیوخوس هشتم (حک ۹۶-۱۲۵ ق.م) به سن قانونی رسید، سه سال نیز به طور مشترک با وی حکومت کرد. او قصد مسمومیت آنتیوخوس و بر تخت نشانیدن پسر دیگرش را داشت، اما آنتیوخوس که از قصد مادر باخبر بود، کلئوپاترا را مجبور به خوردن زهر کرد (Appian, Syr.14.69). کلئوپاترا تا در میان ملکه‌های سلوکی بیشترین سکه را دارد (تصویر ۲). در ابتدا، اسکندر بالاس به مناسبت ازدواج با کلئوپاترا سکه‌ای ضرب کرد که تصویر شاه و ملکه

1. Anzaze
2. Kamnaskires
3. Alexander Balas
4. Ake

بر روی سکه و تصویر زئوس^۱ با نیکه^۲ بر روی دستش در پشت سکه نقش شد (Houghton et al, 2008: 243). ملکه در سال ۱۲۶/۵ ق.م به تنهایی سکه ضرب کرد. بر روی سکه، تصویر او با روسری و در پشت سکه، تصویر کورنوکیپیا^۳ و، یا شاخ فراوانی و نعمت و کتیبه‌هایی در باب معرفی ملکه وجود دارد. از وی و آنتیوخوس هشتم دو نوع سکه وجود دارد که در پشت سکه نقش عقاب، زئوس بر تخت نشسته و نام و لقب آنها مشهود است (Ibid, 2272). تصویر وی بر روی سکه‌ها، متناسب با نیاز سلطنت به تنهایی و، یا همراه شاه ضرب شده است. این نیاز ممکن است کسب مشروعیت سیاسی شاهی نامشروع همانند الکساندر بالاس در لوای ملکه و، یا به قدرت رسیدن شاهی کم‌سن‌وسال در کنار مادر نایب‌السلطنه‌اش باشد. ملکه در سکه‌های هر دو شاه با قرار گرفتن تصویرش بر روی تصویر شاه، قدرت خود را به رخ می‌کشد و عملاً حضور شاه تحت شعاع اوست.



تصویر ۱-۲. سکه کلئوپاترا ثنا و

الکساندر بالاس

(Houghton et al, 2008: 1481)

تصویر ۲-۲. سکه کلئوپاترا ثنا و

آنتیوخوس هشتم

(Dodd, 2009: 171)



تصویر ۳-۲. سکه کلئوپاترا ثنا و

آنتیوخوس هشتم

(Houghton, 1983: 888)

تصویر ۴-۲. سکه کلئوپاترا ثنا

(Ager and Hardiman, 2016)

1. Zeus
2. Nike
3. Cornucopiae

کلئوپاترا سلنه^۱ آخرین ملکه سلوکی است. درباره او مطالب پراکنده‌ای در آثار استرابو (۱۳۸۲: ۳۴۸) و آپیان (Appian, Syr.14.69) وجود دارد. او همسر سه تن از شاهان سلوکی از جمله آنتیوخوس هشتم، آنتیوخوس نهم (حک ۹۶-۱۱۴ ق.م) و آنتیوخوس دهم (حک ۹۵-۸۳ یا ۹۲ ق.م) بود. او را ملکه در سایه دولت سلوکی لقب داده‌اند. وی در امور سیاسی نقش چشمگیری داشت و بر روی سکه‌های آخرین شاهان این دوره ظاهر شده است (Dumitru, 2016: 259).

ب) جایگاه و عملکرد

برخی از زنان خاندان سلطنتی در صدد بودند نقش برجسته‌ای در دربار عهده‌دار شوند. اولمپاس مادر اسکندر، اولین زنی است که نقش مهمی در تاریخ سیاسی یونان ایفا کرد. او از طریق نامه‌نگاری با پسرش و ارائه راهنمایی و گوشزد کردن نکات مهم به وی، نفوذ خود را بر دربار سیار اسکندر اعمال کرد و در جهان‌گشایی اسکندر و حتی پس از مرگ وی، وزنه سیاسی قدرتمندی در سرتاسر یونان به شمار می‌آمد (کارنی، ۱۳۹۷: ۲۲ و ۱۱۰). ملکه سلوکی پس از به قدرت رسیدن پسر کم‌تجربه و، یا غاصب خود، به قدرت اول دربار بدل شد. بررسی منابع تاریخی نشان می‌دهد که برخی از زنان سلطنتی از حمایت ارتش، خانواده، دوستان، دولت‌های خارجی، همشهریان و افراد وفادار در دربار برخوردار بودند. مثلاً لائودیسه با کمک کائوس ملازم دربار، برنیکه و پسرش را کشت (Maximus Valerius, 10.1). علاوه بر ملکه‌های همسر و ملکه‌های مادر که در امور سیاسی مداخله و، یا شورش را رهبری می‌کردند، زنان با مراتب پایین‌تر نیز به این اقدامات دست می‌زدند. برای مثال استراتونیکه^۲ عمه سلوکوس دوم در سال ۲۲۷ ق.م شورش در انطاکیه به راه انداخت (آلتهایم و اشتیل، ۱۳۸۸، ۲۲). زنان سلطنتی اعم از ملکه مادر، ملکه همسر و دختران شاه، سفرا را به حضور پذیرفته و با ایشان مکاتبات رسمی داشتند. احتمالاً سفرا به دلیل نفوذ زنان سلطنتی بر تصمیمات شاه سلوکی، به ملاقات و مکاتبه با این زنان راغب بودند و هدایای ارزشمندی به آنها تقدیم می‌کردند. گزارش‌هایی از ملاقات آپامه، لائودیسه اول، لائودیسه سوم و لائودیسه چهارم با سفرای

1. Cleopatra Selene
2. Stratonice

خارجی و، یا نمایندگان بخش‌های مختلف امپراتوری در دست است (Ma, 1999: 308-311). عموماً تک‌همسری نزد شاهان سلوکی رسمیت داشت. با این حال شاهان به داشتن معشوقه تمایل داشتند که آشکارا به برخی از آنها قدرت داده می‌شد (Bevan, 1902: 279).

سلوکیان در نوشته‌های رسمی، همسر خود را همسر، خواهر و، یا ادلفه^۱ می‌خواندند. مشهورترین نمونه کتیبه‌های آنتیوخوس سوم و زن او لائودیسه است. لائودیسه، دختر مهرداد شاه پونتوس بود و هیچ پیوند نزدیکی با آنتیوخوس سوم نداشت. با وجود این، شاه سلوکی ملکه را خواهر و همسر خود خوانده و لائودیسه نیز در کتیبه‌ای آنتیوخوس را برادر و همسر خود نامیده است. به اعتقاد شاپور شهبازی، این تعبیر فقط جنبه تشریفاتی دارد یعنی، ملکه در دربار سلوکی از امتیازات دختر شاه و زن شاه برخوردار می‌شده است (شاپور شهبازی، ۱۳۸۰: ۲۵). در کاوش‌های شهر سلوکیه در کرانه دجله^۲، تعدادی اثر مهر با پرتره شاهان و ملکه‌های سلوکی به صورت جفت و، یا منفرد منقش شده‌اند (تصویر ۳). برخی از اینها - مثل اثر مهر دمتریوس اول و لائودیسه (Invernizzi, 1998:109) - به لحاظ سبک و شمایل‌نگاری به سکه آنها که در سلوکیه ضرب شده، چنان شباهت دارد که گویی هر دو اثر را هنرمند واحدی طراحی کرده است. مکداول، چند ملکه بر روی اثر مهرها شناسایی کرده که لائودیسه مادر سلوکوس چهارم، لائودیسه زن سلوکوس چهارم، همسر سلوکوس سوم، کلئوپترا ثنا و دمتریوس دوم، کلئوپترا ثنا و الکساندر بالاس از آن جمله‌اند. ده اثر مهر هم به ملکه‌های ناشناخته تعلق دارد که به صورت نیم‌تنه و، یا تمام قد به تصویر درآمده‌اند (McDowell, 1935). در آرشیو اداری اوروک نیز اثر مهرهایی با پرتره افراد سلطنتی باقی مانده است (Wallenfels, 1993: 118).

1. Adelfe
2. Seleucia on the Tigris



تصویر ۱-۳. اثر مهر دمتریوس اول و لائودیسه
تصویر ۲-۳. اثر مهر کلئوپاترا تنا و دمتریوس دوم
تصویر ۳-۳. اثر مهر زن سلوکوس سوم؟
(Invernizzi, 1998: 91) (McDowell, 1935: fig.32) (Ibid, 71)

۱. ازدواج‌های سیاسی زنان خاندان سلطنتی

با مرگ اسکندر یونانی‌هایی که وصلت با زنان ایرانی را بازی سیاسی می‌دانستند، زنان خود را طلاق دادند. آنها بیشتر مایل بودند که همسر خود را از جامعه یونانی انتخاب کنند (Bosworth, 2006: 16). آنها حتی به خاطر تبار آسیایی زنان اسکندر، آنها را نادیده گرفتند (کارنی، ۱۳۹۷: ۲۱۳). در این میان، نگرش سلوکوس با بقیه متفاوت بود و زن ایرانی خود را طلاق نداد (Bosworth, 2006: 16). در این دوره بنا به موقعیت‌های مختلف، ازدواج سیاسی شاهان و اهل حرم با شاهدخت‌ها و، یا شاهان دولت‌های اطراف، شاهان محلی و حکومت‌هایی است که با سلوکیان درگیری نظامی داشتند. ازدواج سیاسی، به منظور اتحاد با دیگر پادشاهی‌ها و خاندان‌های تأثیرگذار در اداره قلمرو سلوکیان انجام می‌شد. ازدواج سلوکوس اول با آپامه شاهزاده خانم سغدی در تحکیم حکومت او مؤثر بود. ازدواج آنتیوخوس هیراکس^۱ با شاهزاده خانمی به نام لائودیسه از بیتتیا^۲ به تصاحب آسیای صغیر کمک کرد. تقریباً همه پادشاهان سلوکی پس از اسکندر بالاس، با شاهزاده خانم‌های بطلمیوسی ازدواج (Dodd, 2009: 199) و با نزدیک‌ترین و قدرتمندترین رقیب خود متحد شدند. اشکانیان جزو قوی‌ترین رقبای سلوکیان بودند که چند ازدواج سیاسی میان آنها گزارش شده است. مهرداد اول دخترش رودگونه را به همسری دمتریوس دوم (Justin, 38.9) درآورد و فرهاد دوم نیز

1. Antiochus Hierax
2. Bithynia

پس از شکست آنتیوخوس هفتم برادرزاده وی را به ازدواج خود درآورد (کالج، ۱۳۸۳: ۲۶). هدف دیگر ازدواج سیاسی آن بود که شاهزاده خانم در دربار همسرش، به سود پدر و، یا برادرش صاحب قدرت و نفوذ شود و، یا سلوکیان بر روی شاهان دیگر اعمال نفوذ کنند. تلاش آنتیوخوس سوم برای ازدواج دخترش با پادشاه پرگامون^۱ به همین منظور بود و او مینس دوم که بیم داشت با این ازدواج آسیای صغیر به زیر سلطه سلوکیان برود، از این ازدواج سرباز زد (Ramsey, 2011: 521). شاهان تلاش می‌کردند که دختران و خواهران خود را به ازدواج شاهان مناطق مختلف دریاوردند و، یا خود و پسران‌شان با دخترانی از سرزمین‌های مختلف ازدواج می‌کردند. مثلاً آنتیوخوس سوم با لائودیسه، دختر مهرداد دوم شاه پونتوس (کولپ، ۱۳۸۷: ۲۴۶) و خواهرش با خشایار، شاه ارمنستان ازدواج کرد بعدها شاه ارمنستان به تحریک همسرش کشته شد (Polybius, 8.23). شاه سلوکی پس از نبرد با شاه باختر و برقراری صلح، به جهت تحکیم روابط، دخترش را به عقد دمتربوس شاهزاده باختری درآورد (Ibid, 11.39) و دختران دیگرش با بطلمیوس پنجم، آریارتیس شاه کاپادوکیه و شاه پرگامون ازدواج کردند (Appian, Syr. 1.5). بنابراین دختران وی - غیر از لائودیسه چهارم - با افرادی غیر از سلوکیان ازدواج کردند و هدف او و شاهان دیگر گسترش روابط سیاسی و برقراری امنیت در مرزهای پهناور خویش بود.

۲. نام‌گذاری شهرهای سلوکی به نام زنان خاندان سلطنتی

از دوره سلوکوس اول به بعد، شهرهایی در قلمرو سلوکیان ساخته و یا نوسازی شد که برخی به نام زنان مشهور این دوره نام‌گذاری شدند. آپیان و استرابو از ساخت شهرهای زیادی توسط سلوکوس اول و آنتیوخوس اول در ایران، بین‌النهرین، سوریه و آسیای صغیر خبر داده‌اند که نام آپامه، لائودیسه (مادر سلوکوس) و استراتونیکه داشتند (Appian, Syr. 12. 57؛ استرابو، ۱۳۸۲: ۵۱، ۱۱۸، ۱۱۹، ۳۴۸). در ایران، شهرهای آپامیه راگیانه در ری کنونی (Shahbazi, 1986: 150) و لائودیسه نهادند شناخته‌شده‌تر هستند. ساخت شهرهایی با نام آپامیه و لائودیسه در کنار ساخت شهر هرکولیه در

1. Pergamon

بخش‌هایی از ایران به‌ویژه در ماد و نزدیک به اکباتان، جالب توجه است (Kosmin, 2013: 681). نام‌گذاری شهرها به نام این زنان از اعتبار و محبوبیت آنان در دربار و تلاش شاهان برای تکریم آنان نشان دارد.

۳. زنان خاندان سلطنتی و مذهب

در دوره سلوکی، شاهان و برخی ملکه‌ها در پرستشگاه‌های ویژه پرستش می‌شدند. از شواهد باستان‌شناختی در این باره فرمان مشهور سال ۱۹۳ ق.م آنتیوخوس سوم و، یا کتیبه لائودیسه نهاوند (تصویر ۴-۱) و کتیبه دودورگا^۱ با همان مضمون و تاریخ، قابل اشاره‌اند (Canepa, 2014: 17). بخش‌هایی از کتیبه لائودیسه چنین است: «شاه آنتیوخوس به مندموس سلام می‌رساند و دستور می‌دهد که به شنوئات خواهر ما ملکه لائودیسه بیفزاید و از او قدردانی کنید ... خصوصاً مصمم هستیم در تمام قلمرو ما انتخاب کاهنین بزرگ از طرف ملکه لائودیسه تعیین شود، در حالی که حامل تاج‌های طلا و تصویر او خواهند بود. سپس نام آنها در اسناد بعد از کاهنین نیاکان ما و خود ما ثبت شود.» (حاکمی، ۱۳۳۸: ۷-۶) در کتیبه دودورگا، اسم کاهنه‌ای در ارتباط با آئین پرستش لائودیسه آمده است. همچنین در کتیبه‌ای از شوش، به پرستش وی اشاره شده است (Sherwin-White and Kuhrt, 1993: 179). با توجه به کشف سه کتیبه مشابه در سه منطقه جغرافیایی متفاوت، می‌توان احتمال داد که این ملکه به طور رسمی در تمام قلمرو شاه پرستش می‌شد. نکته مهمی که باید به آن اشاره کرد، دیدگاه اسکندر درباره تقدس مادرش پس از مرگ بود که به دلیل مرگ زودهنگام اسکندر این امر محقق نشد (کارنی، ۱۳۹۷: ۲۴۰). طبق متن کتیبه نهاوند، کاهنه‌ها تاج‌هایی با تصویر لائودیسه بر سر می‌گذاشتند. اگر و هاردیمن، تاجی مفرغی با نیم‌تنه دو زن را که تصادفی کشف شد و در موزه برلین نگهداری می‌شود (تصویر ۴ب) تاج لائودیسه دانسته‌اند (Ager and Hardiman, 2016: 160). اما برای این انتساب دلیل متقنی ارائه نشده است.

۱. Dodurga این کتیبه یونانی در منطقه فریژه در غرب آسیای صغیر و در سال ۱۸۸۴م. کشف شده است.



تصویر ۱-۴. کتیبه لائودیسه نهانند (رهبر و علی بیگی، ۱۳۹۰: ۱۴۹)
تصویر ۲-۴. تاج مفرغی منتسب به آئین بزرگداشت لائودیسه (Ager and Hardiman, 2016: 160)

لائودیسه سوم در میان ملکه‌های سلوکی، بیشترین کتیبه و مجسمه آئینی را داراست. فرمان بزرگداشت آنتیوخوس سوم و لائودیسه سوم در شهر ایاسوس^۱، موقوفات مذهبی در شهرهای صیدون و سارد و فرمان آنتیوخوس به مسئولان شهر تئوس^۲ برای برپایی مجسمه شاه و ملکه در نزدیکی مجسمه خدای دیونیزوس، گواه این امر است (Reda, 2014: 49). سلوکوس دوم نیز پرستش ملکه‌ای در گذشته به نام استراتونیکه ثنا را با پرستش آفرودیت الهه حامی خویش در آمیخت (کولپ، ۱۳۸۷: ۲۴۵). برای ملکه‌های سلوکی از القاب مذهبی استفاده شده است و برخی را در ردیف ایردبانان آورده‌اند. مثلاً بر روی سکه و کتیبه‌ای از کلئوپاترا ثنا عبارت «ملکه کلئوپاترا، الهه حاصلخیزی»، «ملکه کلئوپاترا، الهه آفرودیت نیکوکار» و یا «ملکه کلئوپاترا، الهه» (Houghton, 1983: 803) آمده است و، یا لائودیسه سوم در کتیبه‌ای از ایاسوس با لقب «ملکه آفرودیت لائودیسه» (Ma, 1999: No.26b) و استراتونیکه با لقب آفرودیت استراتونیکه خوانده شده‌اند (Ager and Hardiman, 2016: 152). در دوره اشکانی در سکه موزا و فرهاد پنجم، برای معرفی ملکه از لقب ایردبانو اورانیاموزا و ملکه (سلوود، ۱۳۸۷: ۳۶۵) استفاده شده و او را با استفاده از لقب ایردبانو اورانیا هم‌ردیف ایردبانان دانسته و در پی مشروعیت بخشیدن به وی بوده‌اند. احتمال دارد این شیوه متأثر از دوره

1. Iasos
2. Teos

سلوکی باشد. یکی از نشانه‌های الوهیت و ارتباط با الهه آفرودیت برای لائودیسه چهارم و کلئوپاترا ثئا، وجود حجاب و پوششی روسری مانند بر روی سکه‌ها است (Hoover, 2002: 84)، زیرا حجاب شاخصه آفرودیت است. اطلاق القاب مذهبی به ملکه‌ها و صدور فرمان پرستش آنها از زمان آنتیوخوس اول رایج شد. همه ملکه‌ها القاب مذهبی و آئین پرستش نداشتند و استراتونیکه، لائودیسه اول، لائودیسه سوم، لائودیسه چهارم و کلئوپاترا ثئا لقب و معبد داشتند. شاید این امر به میزان قدرت ملکه و محبوبیت وی نزد شاه، دربار و جامعه بستگی داشته است.

ملکه‌ها برای جلب نظر مردم و خدایان در برگزاری آئین‌های مذهبی، ساخت و تعمیر معابد و برپایی مجسمه خدایان نقش داشتند. اولمپاس از مقامات معبد دلفی درخواست کرد که با استفاده از غنائم ایرانی تحت اختیار او، تاج‌هایی طلا برای آپولو بسازند (کارنی، ۱۳۹۷: ۲۱۳). طبق کتیبه ملیتوس^۱ آپامه زن سلوکوس نیز دستور ساخت نیایشگاهی در دیدیما^۲ و مجسمه‌ای مفرغی برای آرتمیس را صادر کرد که پایه مجسمه و کتیبه حک شده بر روی آن کشف شده است (Ma, 1999: no.17, 26B). استراتونیکه نیز معبد الهه آتارگاتیس^۳، الهه اعظم سوریه را در شهر بامیس^۴ مرمت کرد (روستوفتزر، ۱۳۸۰: ۴۰). در حقیقت ملکه‌ها با استفاده از امکانات مالی تحت اختیارشان، در مناطق مختلف قلمرو سلوکیان - فارغ از اینکه خدایان یونانی و، یا غیر یونانی پرستش می‌شد- معبد می‌ساختند تا بر محبوبیت و شأن خود نزد مردم و طبقه روحانیان بیفزایند. زنان خاندان سلطنتی همانند زنان دیگر گروه‌های جامعه می‌توانستند در مقام کاهنه در معابد خدمت کنند. مثلاً لائودیسه دختر لائودیسه سوم را شاه، به عنوان کاهنه اعظم معبد مادرش در ماد تعیین کرد. او تاجی طلا با شمایل مادرش بر سر می‌گذاشت (Robert, 1949: 18; Kosmin, 2013: 683).

۴. نقش زنان خاندان سلطنتی در امور نظامی

بدون شک برای زنان طالب قدرت در دربار سلوکی، حمایت ارتش سلطنتی، داشتن

1. Miletus
2. Didyma
3. Atargatis

۴. Bambis شهری در سوریه

ارتباطات نظامی و در صورت نیاز تدارک سپاه اختصاصی ضرورت داشت. حتی گاهی، آنان رهبری یک نبرد را برعهده می‌گرفتند. پس از مرگ اسکندر اولمپاس بر سر به قدرت رسیدن پسر اسکندر، با زنی به نام آدیا اوریدیس در مقدونیه جنگید. این دو زن شخصاً سپاه در اختیارشان را فرماندهی می‌کردند (کارنی، ۱۳۹۷: ۱۴۲ و ۱۵۵). آپامه از ارتش ملیسینا که همسرش را در جنگ یاری کرده بودند، حمایت مالی کرد. برخی نیز با توجه به شرایط موجود، در عرصه فعالیت‌های نظامی نقشی جدی‌تر ایفا کرده‌اند. برای نمونه، برنیکه در جنگ با لائودیسه اول، فرماندهی ناوگانی متشکل از پانزده کشتی جنگی و سپاهی (نیروی زمینی) را برعهده گرفت که به خدمت گرفته بود. وی و لائودیسه اول از طریق جاسوسان به خوبی از امکانات، تجهیزات و محل استقرار سپاه طرف مقابل باخبر می‌شدند. کلئوپاترا تنها نیز در سال‌های اوج قدرت، از پشتیبانی نظامی زیادی برخوردار بود. حتی سربازان تریفون به دلیل ارتش قوی کلئوپاترا به این ملکه پیوستند (Reda, 2014: 59). تری فاین^۱ زن اول آنتیوخوس نهم و کلئوپاترا سلنه زن دوم وی که هر دو دختران شاه بطالسه بودند، برای مهریه، ارتشی همراه خود آورده بودند. یوستین، از نبردهای ارتش‌های تحت کنترل این زنان برضد دشمنان سخن گفته است (Justin, 39.4.4).

۵. حضور زنان خاندان سلطنتی در اجتماع

به دلیل سکوت منابع تاریخی و کمبود شواهد باستان‌شناختی، نمی‌توان دقیقاً به میزان و نحوه حضور زنان درباری در فعالیت‌های اجتماعی پرداخت. زنان بلندمرتبه این دوره، همانند زنان دربار هخامنشی (بروسیوس، ۱۳۸۹: ۶-۱۲۳) به تنهایی و، یا همراه شاه به سفر می‌رفتند. در استوانه گلی آنتیوخوس اول^۲ که در سال ۲۶۸ ق.م در پی معبد ازیدا در بوریسیا^۳ به کار رفته، شاه پس از معرفی خود و شرح فعالیت معبدسازی برای خدایان و حمد و ستایش، از آنان برای خود، پسر و همسرش استراتونیکه طلب رحمت می‌کند

1. Tryphaena

۲. استوانه آنتیوخوس اول را هرمزد رسام در سال ۱۸۸۰ م. طی کاوش معبد خدای نبو در محوطه بوریسیا (جنوب عراق) کشف کرد. متن این استوانه گلی به خط میخی و زبان بابلی نواست.

3. The Ezida temple of Borsippa

(Sherwin-White and Kuhrt, 1993: 36-37). براساس متون نجومی برجای مانده از شهر بابل، لائودیسه اول و لائودیسه چهارم به بابل سفر کرده و در آئین‌های مذهبی معبد اساگیلا^۱ شرکت داشته‌اند (Sachs and Hunger, 1988: 385). همچنین لائودیسه سوم پس از فتح شهر ایاسوس^۲ تصمیم می‌گیرد تا از محرومان این شهر حمایت کند. بنابراین در سال ۱۹۰/۱۹۵ ق.م، در نامه‌ای از یکی از مقامات ارشد مالی این شهر درخواست می‌کند به منظور تأمین جهیزیه دختران فقیر، به مدت ده سال و سالانه ۱۰۰۰ مدیمنوی آتیک^۳ از غلات را به نمایندگان شهر تحویل دهد. با این کار، هر ساله جهیزیه بیست دختر فقیر تأمین می‌شد (Caspé and Kraemer, 1935: 159). نام زنان خاندان شاهی به ویژه ملکه‌ها، در احکام سیاسی، اسناد رسمی و اداری دوره سلوکی ذکر می‌شد. برای مثال در اسناد یونانی شوش (پاتس، ۱۳۸۵: ۵۶۴-۵۵۹) و برخی از اسناد نجومی، مذهبی و مالی - که نام شاه به هر دلیلی توسط وی و، یا افراد دیگری نوشته شده - پس از نام شاه بلافاصله نام ملکه آمده است. این امر بر شناخت کافی جامعه از ملکه سلوکی و جایگاه مهم وی در اجتماع دلالت دارد. در دوره اشکانی نیز به تأثیر از دوره سلوکی نام ملکه‌های مادر و همسر بعد از نام شاهان در اسنادی همچون الواح اورامان، اسناد حقوقی اوروک و اسناد نجومی بابلی ذکر شده که بیان‌کننده جایگاه مهم زنان سلطنتی در جامعه اشکانی است.

۶. حضور زنان خاندان سلطنتی در فعالیتهای اقتصادی

منابع موجود اطلاعات چندانی درباره فعالیت‌های اقتصادی زنان درباری در دوره سلوکی ارائه نکرده‌اند. اما به نظر می‌رسد که زنان دربار می‌توانستند سرپرستی و اداره املاک و مستغلات را برعهده بگیرند و اجازه خرید و فروش زمین و املاک را داشتند. طبق اسناد برجای مانده از بابل و آسیای صغیر، آنتیوخوس دوم اراضی وسیع و دارایی‌های دیگری همانند یک روستا را به لائودیسه واگذار کرد. این املاک از پرداخت

۱. Esagila معبد اصلی مردوک خدای شهر بابل

۲. Iasos شهری در ترکیه

۳. Medimnos واحد وزن غلات در منطقه آتیک (Attica) در یونان که معادل ۵۱٫۸ لیتر بود.

مالیات به خزانه شاهی معاف بود و لائودیسه طبق قوانین اختیار داشت که املاک تحت مالکیت خود را به عنوان اراضی تابع هریک از شهرهای دلخواهش ثبت کند. این اراضی تحت عنوان اراضی شهرهای بابل، بوریسیا و کوت درآمد که در همسایگی هم قرار داشتند (پیگلوسکایا، ۱۳۸۷: ۴۲-۳۸). در سال ۲۵۴ و، یا بهار ۲۵۳ ق.م، شاه قطعه زمینی را در غرب آسیای صغیر به لائودیسه فروخت و فرزندان لائودیسه می‌توانستند وارث وی باشند (Grainger, 1997: 135).

نتیجه‌گیری

از دوره سلوکوس اول نشانه‌های اهمیت و جایگاه زن در دربار هویدا شد که به استناد کتیبه‌ها و منابع یونانی، اولین نمود آن نام‌گذاری شهرها به نام زنان خاندان سلطنتی (لائودیسه، استراتونیکه و آپامه) در کنار نام فاتحان بزرگی همچون اسکندر و سلوکوس است. این شهرها محدود به بخش خاصی از قلمرو آنها نبود و مشهورترین شهر سلوکی در ایران با نام لائودیسه در نهاوند جایابی شده است. دوره سلوکی را باید دوره زنان قدرتمند نامید که آپامه، استراتونیکه، لائودیسه اول، برنیکه، لائودیسه سوم، لائودیسه چهارم، کلئوپاترا ثنا و کلئوپاترا سلنه از جمله زنان قدرتمند این دوره‌اند. لائودیسه اول الگوی ملکه سلوکی است که در پی قدرت گرفتن و جابه‌جایی قدرت در دربار بود. او از حد و حدود اختیارات خود پیاپی فراتر نهاد، زیرا بنا بر مصلحت، همسرش را کشت و پس از عملیات نظامی و از میان برداشتن رقبا، پسرش را بر تخت نشانید. سپس شاه جدید را که اهداف مادر را تعقیب نمی‌کرد، با همدستی پسر دیگرش سرنگون کرد. این الگو با تغییراتی در مورد برخی زنان این دوره صادق است. در حقیقت بعضی زنان این دوره را می‌توان زنان شاه‌ساز و، یا زنان شاه‌برانداز نامید. گرچه این موضوع در برخی دوره‌ها در خفا صورت می‌گرفت، اما در دوره سلوکی جابه‌جایی قدرت توسط ملکه علنی بود. حتی برخی از آنان خود به تنهایی سلطنت می‌کردند که در دوران هخامنشی و اشکانی این موضوع گزارش نشده است. زنانی همانند لائودیسه اول، برنیکه و کلئوپاترا ثنا سپاهیان داشتند و در مواقع نیاز با کمک قوای نظامی در صدد دستیابی به اهداف خود برمی‌آمدند. مسئله‌ای که در دوره اشکانی در میان زنان

خاندان سلطنتی دیده نشده است.

اسکندر و سلوکوس با ازدواج با زنان ایرانی، در پی کسب مشروعیت سیاسی در میان مردم ایران بودند و این امر، اهمیت زنان را در انتقال مشروعیت سیاسی نشان می‌دهد. با ازدواج دختری سلوکی با شاهزاده‌ای از سرزمین‌های دیگر (مقدونیه، مصر، آسیای صغیر، باکتریا و پارت)، پیمان صلح منعقد و، یا روابط دیپلماتیک تحکیم می‌شد. پس زنان خاندان سلطنتی را می‌توان سربازان پیاده اما مهم شاهان سلوکی دانست که در مواقع بحران و با ازدواج، ثبات سیاسی و صلح را برای پدر و، یا برادر به ارمغان می‌آوردند. چندهمسری و طلاق در جامعه سلوکی وجود داشت و شاهان در صورت لزوم زنان خود را طلاق می‌دادند که می‌توان به سلوکوس اول و آنتیوخوس دوم اشاره کرد.

تصویر تعدادی از زنان سلوکی بر روی سکه و مهر ظاهر شده است. محبوبیت ملکه و اعلام مشروعیت سیاسی شاهان، از دلایل حضور زنان بر روی سکه‌ها است. سکه به دلیل توزیع گسترده در سطح جامعه، یک رسانه تبلیغی کارآمد در خدمت شاه بر تخت نشسته بود و مشروعیت وی و ثبات سیاسی و اقتصادی جامعه را نشان می‌داد. شاهان غاصب از طریق اعتبار، محبوبیت و قدرت ملکه مادر و، یا ملکه همسر، در پی کسب مشروعیت سیاسی در میان نخبگان سیاسی و توده مردم بودند. این امر از تصویر دوگانه شاه و ملکه بر روی سکه‌ها دریافت می‌شود. شمایل‌نگاری زنان بر روی سکه، در دوره اشکانی بر روی سکه‌های موزا و فرهاد پنجم و کمنسکیور دوم و آنزازه مشاهده می‌شود. با این حال، در دوره هخامنشی زنان بر روی سکه‌ها ظاهر نشده‌اند. آئین پرستش ملکه‌ها در زمان حیات و، یا پس از مرگ ایشان در معابد ویژه با حضور کاهنان و کاهنه‌های منتخب برگزار و احکام حکومتی در این خصوص به بخش‌های مختلف قلمرو سلوکی ابلاغ می‌شد. بخشی از فعالیت‌های زنان خاندان سلطنتی تحت تأثیر فرهنگ هلنی و بخشی نیز تحت تأثیر فعالیت گسترده زنان خاندان سلطنتی بطالسه بوده است، زیرا تعدادی از زنان دربار بطالسه در پی ازدواج سیاسی به دربار سلوکیان راه یافته بودند.

جدول ۱. ملکه‌های مشهور و تأثیرگذار دوره سلوکی

ملکه سلوکی	پدر	همسر	پسران به شاهی رسیده
آپامه	اسپیتامن سغدی	سلوکوس اول	آنتیوخوس اول
استراتونیکه	دمتریوس پولیورکنس	سلوکوس اول - آنتیوخوس اول	آنتیوخوس دوم
لائودیسه اول	آخئوس	آنتیوخوس دوم	سلوکوس دوم - آنتیوخوس هیراکس
برنیکه	بطلمیوس دوم	آنتیوخوس دوم	آنتیوخوس
لائودیسه سوم	مهرداد شاه پتوس	آنتیوخوس سوم	سلوکوس چهارم - آنتیوخوس چهارم
لائودیسه چهارم	آنتیوخوس سوم	آنتیوخوس پسر سلوکوس چهارم آنتیوخوس چهارم	دمتریوس اول - آنتیوخوس پنجم
کلئوپاترا ثا	بطلمیوس هفتم	الکساندر بالاس - دمتریوس دوم - آنتیوخوس هفتم	آنتیوخوس ششم - سلوکوس پنجم - آنتیوخوس هشتم - آنتیوخوس نهم
کلئوپاترا سلنه	بطلمیوس هشتم	آنتیوخوس هشتم - آنتیوخوس نهم - آنتیوخوس دهم	آنتیوخوس سیزدهم

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

- آلتهايم، فرانس، روت اشتيل (۱۳۸۸)، «سرآغاز تاريخ اشكانيان»، نوشته‌هایی در باب تاريخ و فرهنگ اشكانيان، به كوشش فرانس آلتهايم، ترجمه هوشنگ صادقي، تهران: پژوهشگاه سازمان ميراث فرهنگي، صنايع دستي و گردشگري، صص ۱۱-۴۲.
- استرابو (۱۳۸۲)، سرزمين‌های زير فرمان هخامنشيان در جغرافياي استرابو، ترجمه همایون صنعتي‌زاده، تهران: بنياد موقوفات افشار.
- كارني، اليزابت (۱۳۹۷)، *اولمپياس، مادر اسکندر مقدوني*، ترجمه هاجر هوشمندی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.
- بروسيوس، ماريا (۱۳۸۹)، *زنان هخامنشي*، ترجمه هايده مشايخ، تهران: هرمس.
- پاتس، دنيل (۱۳۸۵)، *باستان شناسي ايلام*، ترجمه زهرا باستي، تهران: سمت.
- پلوتارک (۱۳۴۶)، *حيات مردان نامي*، ترجمه رضا مشايخي، جلد ۳، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.
- بيگلوسکايا، نينا ويكتوروونا (۱۳۸۷)، *شهرهای ايران در روزگار پارتيان و ساسانيان*، ترجمه عنایت‌الله رضا، تهران: علمي و فرهنگي.
- حاکمي، علي (۱۳۳۸)، «کتیبه بزرگ نهاوند»، *مجله باستان‌شناسي*، شماره‌های ۱ و ۲، صص ۴-۸.
- ديودور سيسيلي (۱۳۸۴)، *ايران و شرق باستان در کتابخانه تاريخي: حکومت مادها، آشور، لشکرکشي خشايارشا، اردشير دوم و کوروش کوچک، لشکرکشي اسکندر به ايران*، ترجمه حميد بيکس شورکايي و اسماعيل سنگاري، تهران: جامي.
- روستوفتزنف، م (۱۳۸۰)، «سياست فراگير سلوکیان»، ترجمه نادر ميرسعیدی، رشد آموزش تاريخ، شماره ۶، صص ۳۶-۴۰.
- رهبر، مهدي، سجاد علي يگي (۱۳۹۰)، «گزارش پژوهش‌های باستان‌شناختي به منظور مکان‌یابی معبد لاثوديسه در نهاوند»، *پيام باستان‌شناس*، سال هشتم، شماره ۱۵، صص ۱۳۳-۱۶۰.
- سلوود، ديويد (۱۳۸۷)، «سکه‌های پارتی»، در *تاريخ ايران از سلوکیان تا فروپاشي دولت ساساني (تاريخ ايران كمبريج)*، به كوشش احسان يارشاطر، ترجمه حسن انوشه، جلد ۱، قسمت ۱، تهران: امير كبير، صص ۴۲۷-۴۰۱.
- شاپور شهبازی، عليرضا (۱۳۸۰)، «افسانه ازدواج با محارم در ايران باستان»، *باستان شناسي و تاريخ*، دوره ۱۵، شماره ۱ و ۲ (پياپی ۲۹ و ۳۰)، صص ۲۸-۹.

- کالج، مالکوم (۱۳۸۳)، *پارتیان (اشکانیان)*، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: هیرمند.
- کولپ، کارستن (۱۳۸۷)، «سیر اندیشه دینی» در تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی (تاریخ ایران کمبریج)، به کوشش احسان یارشاطر، در تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی (تاریخ ایران کمبریج)، به کوشش احسان یارشاطر، ترجمه حسن انوشه، جلد ۳، قسمت ۲، تهران: امیر کبیر، صص ۲۳۹-۲۹۰.
- گوتشمید، آلفرد فن (۱۳۵۶)، *تاریخ ایران و ممالک همجوار از زمان اسکندر تا انقراض اشکانیان*، ترجمه کیکوس جهانداری، تهران: علمی و فرهنگی.
- ویسهورف، یوزف (۱۳۸۸)، *تاریخ پارس از اسکندر مقدونی تا مهرداد اشکانی*، ترجمه هوشنگ صادقی، تهران: فرزانه روز.
- یارشاطر، احسان (۱۳۸۷)، «پیشگفتار»، در *تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی*، در *تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی* (تاریخ ایران کمبریج)، به کوشش احسان یارشاطر، ترجمه حسن انوشه، جلد ۱، قسمت ۱، تهران: امیر کبیر، صص ۱-۹۹.
- Ager, S. L & Hardiman, C. (2016), "Female Seleukid Portraits: Where are they?", In: *Seleukid Royal Women Creation, Representation and Distortion of Hellenistic Queen ship in the Seleukid Empire*, Coşkun, A. & A. McAuley(eds.), Stuttgart: Franz Steiner Verlag, pp.143-303.
- Appian (1955), *Syrian Wars Appian's Roman History*, Vol. 4, With an English Translation by Horace White, London: William Heinemann, LTD & Harvard University Press.
- Bellinger, A. R. (1949), "The End of the Seleucids", *The Connecticut Academy of Arts and Sciences* 38, pp. 51-102.
- Bevan, E.R. (1902), *The House of Seleucus*, Vol.2, London: Edward Arnold.
- Bigwood, J, M. (2008), "Some Parthian Queens in Greek and Babylonian Documents", *Iranica Antiqua* XLII, pp. 236-274.
- Bosworth, A. B. (2006), "Alexander the Great and the Creation of the Hellenistic Age", In: *The Cambridge Companion to the Hellenistic World*, G. R. Bugh (ed.), Cambridge: Cambridge University Press, pp. 9-27.
- Canepa, M. P. (2014), "Seleukid Sacred Architecture, Royal Cult and the Transformation of Iranian Culture in the Middle Iranian Period", *The International Society for Iranian Studies*, pp. 1-27.
- Casper, J. Kraemer, J.R. (1935), "Untitled", *American Journal of Archaeology*, 39 (1), pp. 156-158.
- Coşkun, A.& McAuley, A. (2016), *Seleukid Royal Women Creation, Representation and Distortion of Hellenistic Queen ship in the Seleukid Empire*, Stuttgart: Franz Steiner Verlag.
- Diodorus of Sicily, *Library of World History*, Translation by Russel M Geer,

London: Harvard University.

- Dodd, R. (2009), *Coinage and Conflict: The Manipulation of Seleucid Political Imagery*. PhD thesis, Department of Classics: University of Glasgow.
- Dumitru, A. (2016), "Cleopatra Selene – A Look at the Moon and her Bright Side", In: *Seleucid Royal Women Creation, Representation and Distortion of Hellenistic Queen ship in the Seleucid Empire*, Coşkun, A. & A. McAuley(eds.), Stuttgart: Franz Steiner Verlag, pp. 259- 278.
- Grainger, J. D. (1997), *A Seleucid Prosopography and Gazetteer*, Leiden, New York& Köln: Brill.
- Kosmin, P. J. (2013), "Alexander the Great and the Seleucids in Iran", *The Oxford Handbook of Ancient Iran*, Potts, D.T (ed.), Oxford University Press, pp. 672-689.
- Hoover, O. D. (2002), "Two Seleucid Notes: II. Laodice IV on the Bronze Coinages of Seleucus IV and Antiochus IV", *AJN* 14, pp. 81-87.
- Houghton, A. (1983), *Coins of the Seleucid Empire from the Collection of Arthur Houghton (ACNAC4)*, New York: CSE.
- Houghton, A. Lorber, C. & Hoover, O. (2008), *Seleucid Coins a Comprehensive Catalogue, Part. II. Seleucus IV through Antiochus XVIII*, New York: American Numismatic Society/ Classical Numismatic Group.
- Invernizzi, A. (1998), "Portraits of Seleucid Kings on the Sealing from Seleucia on the Tigris: A Reassessment", *Bulletin of the Asia Institute* 12, pp. 105-112.
- Le Rider, G. (1999), *Antioche de Syrie sous les Seleucides*, Vol.1, Paris: Peeters.
- Ma, J (1999), *Antiochus III and the Cities of Western Asia Minor*. New York: Oxford University Press.
- Martinez- Sève, L. (2003), "Laodice, Femme d'Antiochos II: du Roman à la Reconstruction Historique", *Revue des Études Grecques* 116 (2), pp. 690-706.
- McDowell, R. H. (1935), *Stamped and Inscribed Objects from Seleucia on the Tigris*, Michigan: Ann Arbor.
- Ogden, D. (1999), *Polygamy, Prostitutes and Death: The Hellenistic Dynasties*, London: Duckworth with the Classical Press of Wales.
- Ramsey, G. (2011), "The Queen and the City: Royal Female Intervention and Patronage in Hellenistic Civic Communities", *Gender and History* 23 (3), pp 510-527.
- Reda, S. (2014), *Interregnum: Queen Regency in the Seleucid Empire*, Master of Arts in Ancient Mediterranean Cultures, Ontario: University of Waterloo.
- Robert, L. (1949), "Inscriptions seleucides de Phrygie et d'iran", *Hellenica* VII, pp. 5-29.
- Sachs. A. J. & Hunger, H. (1988), *Astronomical Diaries and Related Texts from Babylonia*, Wien: Verlag der Österreichischen Akademie der

Wissenschaften.

Shahbazi, A.Sh. (1986), "Apama", *Encyclopedia Iraica*, Vol. 11, fasc.2: p. 150.

Sherwin-White, S & Kuhrt, A. (1993), *From Samarkhand to Sardis: A New Approach to the Seleucid Empire*. (Hellenistic Culture and Society), Berkeley and Los Angeles: University of California Press.

Tarn, W. W. (1929), "Queen Ptolemais and Apama", *The Classical Quarterly* 23 (3/4), pp. 138-141.

Valerius Maximus. (1678), *Memorable Deeds and Sayings*, Translation by S. Speed, London.

Wallenfels, R. (1996), "Private Seals and Sealing Practices at Hellenistic Uruk", *BCH* 29, PP. 113-132.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

List of Sources with English Handwriting

- Altheim, Franze, Ruth Steele (1388), "The Beginning of Parthian History", writings on Parthian history and culture, Edited by France Altheim, Translated by Houšang Šādeqī, Tehrān: Pažūhešgāh-e Sāzmān-e Mirāt-e Farhangī, Šanāye'-e Dasī va Gardešgarī, pp. 11-42.
- Brusius, Maria (1389), Achaemenid women, translated by Hāyedeḥ Mašāyek, Tehrān: Hermes.
- Carney, Elizabeth (1397), Olympias, mother of Alexander the Great, translated by Hājar Hoošmandī, Tehrān: Parseh Book Translation and Publishing Company.
- College, Malcolm (1383), Parthians (Parthians), translated by Mass'ouḍ Raǰabnīyā, Tehrān: Hīrmand.
- Diodorus Sicily (2005), Iran and the Ancient East in the Historical Library: The Medes, Assyrians, Xerxes, Ardashir II and Cyrus the Little, Alexander's expedition to Iran, translated by Ḥamīd Beykas Šūrkā'ī and Esma'īl Sangarī, Tehrān: ĵāmī.
- Gutschmid, Alfred (1356), Geschichte irans und seiner nachbar lander, translated by Keīkāvūs ĵāhāndarī, Tehrān: Scientific and Cultural.
- Hākemī, 'Alī (1338), "The Great Inscription of Nahavand", Journal of Archeology, No. 1 and 2, pp. 4-8.
- Kulp, Carsten (1387), "The Course of Religious Thought" in the History of Iran from the Seleucids to the Collapse of the Sassanid State (The History of Cambridge Iran), by Eḥsān Yāršāter, translated by Ḥassan Anoušeh, Volume 3, Part 2, Tehrān: Amīr Kabīr, pp. 239-290.
- Pigulevskaia, Nina Viktorovna (1378), Cities of Iran in the Parthian and Sassanid Era, translated by 'Enayatollāh Rezā, Tehrān: Scientific and Cultural.
- Plutarch (1346), The Life of Famous Men, translated by Rezā Mašāyekī, Volume 3, Tehrān: Parseh Book Translation and Publishing Company.
- Potts, Daniel T (1385), The archaeology of Elam: formation and tranformation of ancient Iranian state, translated by Zahrā Bastī, Tehrān: Samt.
- Rahbar, Mehdī, Saǰād 'Alībaǰgī (1390), "Report On Archaeological Researches For Localization Of Laodicea Temple In Nahavand", payame bastanshenas, Year 8, No. 15, pp. 133-160.
- Rostovtsov, M. (2001), "The Inclusive Politics of the Seleucids", translated by Nāder Mīrsa'eedī, The Growth of History Education, No. 6, pp. 36-40.
- Šāpoor Šāhbāzī, 'Alīrezā (1380), "The myth of incestuous marriage in ancient Iran", Archeology and History, Volume 15, Numbers 1 and 2 (consecutive 29 and 30), pp. 9-28.
- Sellwood, David (1387), "Party Coins", in the history of Iran from the Seleucids to the collapse of the Sassanid state (The Cambridge History of Iran), by Eḥsān Yāršāter, Translated by Ḥassan Anoušeh, Volume 1, Part 1, Tehrān: Amīr Kabīr, pp. 427 -401.

Strabo (2003), *Lands under the Achaemenid rule in Strabo's geography*, translated by Homāyoūn Ṣan'atī-Zādeh, Tehrān: Bonyād-e Moqofāt-e Afšār.

Wiesehofer, Josef (1388), *Die dunklen Jahrhunderte der Persis: Untersuchungen zu Geschichte und Kultur von Fars*, translated by Hoūšang Ṣādeqī, Tehrān: Farzān Rooz.

Yāršāter, Eḩsān (1387), "Preface", in the history of Iran from the Seleucids to the collapse of the Sassanid state, in the history of Iran from the Seleucids to the collapse of the Sassanid state (*The History of Cambridge Iran*), by Eḩsān Yāršāter, translated by ḩassan Anoušeh, Volume 1, Part 1, Tehrān: Amīr Kabīr, pp. 1-99.

